
ترانه
امید
عالم انسانی را دو بال است یک بال ذکور یک بال اناث

" این ایام را بیهوده مگذرانید و غنیمت را از دست
ندهید وفرصت راموهبت بدانید وازخدا بخواهید
که مورد الطاف گردید ومهبط الهام شوید "
از بیانات مقدسه حضرت عبدالبهاء ارواحنا فدا

# تـــــرانه امیـــــد

نشریه لجنـــه ملی ترقـــی نسوان



| | | |
|---|---|---|
| شماره اول ــ سال چهارم | شهرالبهاء ــ شهرالجلال | فروردین ــ اردیبهشت |
| ۱    ٤ | ۱۰۸ | ۱۳۳۰ |



## فهرست مندرجات :



* * * *

هو الله

ای امة الله مکاتیبی که بجهت یاران الهی خواسته بودی با وجود نهایت بیمجالی جمیع مرقوم شد و ارسال گشت حال باید آن ورقهٔ روحانیه اماء الرحمن را منجذب نماید که هریك مانند طیور رجلت حبور بمحامد ونعوت رب غفور بتغنی آیند وهمچنین باید امهات را تعلیمات الهیه داده ونصایح مؤثره کرد و تشویق وتحریص بتربیت کودکان نمود زیرا اول مربی اطفال امهاتند آنها باید در بدایت طفل رضیع را از ثدی دین الله وشریعت الله شیر دهند تا محبت الله با شیر اندر آید وبا جان بدر رود وتا امهات تربیت اطفال ننمایند تا سپس آداب الهیه نکنند من بعد تربیت نتائج کلیه نبخشد ومحافل روحانیه باید بجهت تربیت اطفال تعالیم منظمه بجهت امهات ترتیب دهند که چگونه طفل را باید از سن شیرخوارگی تربیت نمود ومواظبت کرد وآن تعلیمات را بجمیع امهات دستورالعمل دهند تا همه مادرها اطفال را بموجب آن تعالیم تربیت نمایند وپرورش دهند وتازه نهالان گلشن محبت الله از حرارت شمس حقیقت ونسیم نوبهار الهی وتربیت امهات نشوونما نموده هریك در جنت ابهی شجره پرثمر گردند واز فیض ربیع در این موسم بدیع طراوت ولطافت بی‌نهایت یابند وشما بعد از سیر در بعضی از مدن خراسان در فصل بهار بمازندران گردید در آنجا نیز بتشویق وتحریص ورقات موقنات پردازید وتحریص بر تربیت اطفال نمائید و علیك التحیة والثناء

ع ع

* * * *

ترجمه تلگراف منیع مبارك راجع به نقشه چهارساله اماء الرحمن :

" موفقیتی راکه در نقشه چهارساله نصیب اماء الرحمن گردیده است تبریك میگویم ومزید فتوحات آنان را مسئلت مینمایم

شوقی "

* *

لجنه ملی ترقی نسوان برای استحضار خوانندگان عزیز صورت نامهٔ راکه پس از پایان نقشه چهارساله بساحت منیع محفل مقدس روحانی ملی معروض داشته ذیلا درج مینماید :

مقام منیع محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران

شید الله بنیانه

باکمال احترام بعرض آن امنای الهی میرساند بطوریکه خاطر شریف آن امنای الهی مسبوق ومستحضر است دوره نقشه چهارساله ترقی نسوان در اسفندماه ۱۳۲۹ منقضی شده ومقرر بوده راپورتی از وضع اجرای نقشه وتأثیری که در پیشرفت حضرات اماء الرحمن داشته بوسیله آنمقام منیع به پیشگاه مبارك مولای عالمیان ارواحنا لقدرته الفداء معروض گردد . لهذا لجنه ملی ترقی نسوان پس از مکاتبات متوالیه خلاصه راپرت ونتیجه اقدامات لجنه های محترم ترقی نسوان ایران را بنحویکه ذیلا بعرض میرسد بدست آورده است اگرچه راپورتهای واصله بطور قطع ناقص است وبا اینکه وضع نسوان بهائی ایران قبل از شروع باجرای نقشه در دسترس این لجنه نبوده تا بتوان با وضع کنونی مقایسه نمود ولی لجنه ملی ترقی نسوان متیقن است که اجرای مواد مصوبه نقشه چهارساله یعنی مکاتبات متوالیه با لجنه های ترقی نسوان وتاسیس کلاسهای متوسطه وعالی معلومات امری وکلاسهای تعلیم سواد که در مدت چهارسال نقشه دایر بوده واعزام مشوقین بمراکز امریه ونشر مجله مخصوص اماء الرحمن واقدامات متفرقه سائره تأثیرات شدیده در

پیشرفت وترقی حضرات اماءالرحمن وآشنائی آنان با اصول ومبادی امریه داشته است . اینك خلاصه راپورتهای لجنات ترقی نسوان که مربوط بسنه ۱۳۲۹ هجری شمسی است بشرح ذیل از لحاظ شریف آن اماءالرحمن میگذرد : ۲۵ کلاس عالی دارای ۳۳۲ نفر محصل — ۹۵ کلاس متوسطه دارای ۱۰۵۱ نفر محصل و ۲۱۶ کلاس تعلیم سواد دارای ۱۵۰۴ نفر محصل بوده وبطور کلی احصائیه واصله از نقاط امریه که ممکن است کامل وجامع نباشد حاکی است که از ۶۶۵۷ نفر نسوان بهائی که سنشان از چهل سال کمتر بوده و طبق نقشه بایستی سواد آموخته باشند ۴۱۱۸ نفر کسب سواد کرده اند . ازآن ساحت مقدس مستدعی است بهرنحوکه مقتضی بدانند اتمام نقشه چهار ساله ترقی نسوان ونتیجه حاصله را بآستان مقدس مولای مهربان حضرت ولی امرالله ارواحنا لعنایاته الفداء معروض وهدایت مبارك را راجع به اماءالرحمن ایران رجا ومسئلت کنند مزید تأیید آن امنای الهی را سائل وآملیم

منشی لجنه بهیه نادری

* * *

## ترقی وتکامل نسوان

بقلم امة الله مرضیه خانم کیل

ترجمه : جناب نعیمی

حضرت عبدالبهاء بیانی باین مضمون میفرمایند (ترجمه) خدا از ما نمیپرسد زنی یا مرد ! واعمال ما را می سنجد اگر اعمال در بارگاه خداوند متعال مقبول است زن ومرد بطور مساوی عندالله مقبول وماجورند در مقامی دیگر بیانی باین مضمون میفرمایند (ترجمه) در بعضی از اقالیم رجال غلو نموده و بمبالغه چنین انگاشتند وتعلیم نمودند که زن از درجه ئی ادنی از عالم انسان است ولی در این قرن که قرن انوار است خدا عالم انسانی ثابت فرموده وانسان اذعان دارد که این افکار جمیع ناشی از جهل وخطا است بلکه کاملاً محسوس ومسلم گشته که رجال و نساء تواماً عالم انسانی راکه از این دو عنصر مرکب است تشکیل داده وهرد وباهم مساوی وبرابرند وادنی تفاوتی از حیث مقام ومنزلت وجود ندارد . . اوضاع قرن سالفه نتیجه وثمره محرومیت زنان از فرصت ووسیله ترقی بوده زن متروك واز هر ترقی و تعالی محروم مانده است . کمتر نفوس یافت میشود که این مؤسساتی در رجال حاضر یافت میشود که این تعالیم بهائی را بکار بسته باشد یعنی اگر تربیت برای پسر ودختر هر دو مستحیل باشد رجحان را بتربیت دختر دهند فی المثل در ایام جنگ اخیر مدارس جدیده در کشور آمریك مملو از محصل وفاقد محل کافی برای قبول داوطلبان تحصیل بودند و چون امر منجر بانتخاب دختر یا پسر برای ورود به مدرسه میشدند ترجیح را بپسر میدادند وتقاضاهای دختران را بچیزی نمیگرفتند حضرت عبدالبهاء باین مضمون بیانی میفرمایند ( ترجمه ) تربیت زن الزم از تربیت مرد است زیرا زن مربی اطفال از اوان کودکی است . . . مادران اول مربی مردان اند اگر کمال نیابند آینده نژاد انسانی دچار حسرت وپشیمانی است حضرت عبدالبهاء این دلیل راکه مرد بعلت بزرگی مغز بر زن فضیلت دارد رد فرموده مضمون بیان مبارك این است ( ترجمه ) بعضی از فلاسفه وارباب قلم چنین انگاشته اند که زن در عالم خلقت وطبیعت ادنی از مرد است این نفوس استدلال میکنند که مغز مردان از مغز زنان بزرگتر وسنگین تر است این دلیلی ضعیف وناقص است زیرا چه بسیار مغز کوچك که دارای هوش وفکر بزرگ بوده وبسا نفوس جاهل کالانعام که مغزی بزرگ داشته اند . حضرت عبدالبهاء میفرمایند چون زن جنگ نمیکند نباید او را پست تر شمرد وحال آنکه اگر زن را در فنون حرب وخونریزی تعلیم دهند وتربیت نمایند حتی در این امر نیز با مرد برابری وتساوی حاصل نماید . . ولی معاذ الله زیرا هدم عالم انسانی امری محمود و

ممدوح نه انسان نباید افتخارش باین باشد که جمعی از نوع خویش را بقتل رساند خرق دماء نموده بلکه باید افتخار نفوس بمحبت حقیقی و عشق واقعی نسبت بعالم انسان باشد حضرت عبد البهاء بین روحیات مرد وزن بتفاوتی محسوس ومبین اشاره میفرمایند بیان مبارك این است (ترجمه) مرد بیش از زن تمایل بجنگ وخونریزی دارد وچون نسوان در عالم انسانی نفوذ وتاثیر کلی یابند از جنگ محققاً جلوگیری نمایند پس نسوان از جنگ مانند مردان قناعت ورضایت درونی حاصل نمایند ونفرت وانزجار آنان نسبت بجنگ باید برای استقرار وحفظ صلح مورد استفاده قرار گیرد ·

* * * *

## بیانات مقدسه از کلمات مکنونه فارسی و عربی

ای مهاجران لسان مخصوص ذکر من است بغیبت میالائید واگر نفس ناری غلبه نماید بذکر عیوب خود مشغول شوید نه بغیبت خلق من زیرا که هرکدام از شما بنفس خود ابصر واعرفید از نفوس عباد من

یا ابن الوجود کیف نسیت عیوب نفسك و اشتغلت بعیوب عبادی من کان علی ذلك فعلیه لعنة منّی

یا ابن الانسان لاتنفس بخطاء احد ما دمت خاطئاً وان تفعل بغیر ذلك ملعون انت وانا شاهد بذلك

* * *

## شرح حال امة الله لیلا خانم مبلغه وشاعره شهیره امرالله

خوقلد بواسطه آقا میرزا جعفر امة الله المنجذبه لیلی علیه بهاء الله الابهی

هو الله

ای منجذبه بنفحات الله غزلیات فصیح و بلیغ آن کنیز حضرت بهاء الله روحی لاحبائه الفدا در نهایت حلاوت وملاحت بود الحمد لله طبع روانی داری وقریحه سیاله پس دائما به ستایش ومحامد ونعوت حضرت بهاء الله پرداز که آفاق ظلمانی را نورانی نمود وجمیع کائنات را حیات بخشیده وروح جدیدی در هیکل عالم دمیده و علیك البهاء الابهی عبد البهاء عباس

* *

نامشان ام لیلی صبیه مرحوم میرزا موسی معروف به بهشتی از اهل رشت بعد از تصدیق پسر ارشد جناب حاجی میرزا علی که بوسیله جناب میرزا علی اشرف گیلانی متخلص به عندلیب با مر مبارك تصدیق نموده بودند از استماع آیات الهی که حضرت عندلیب با لحان بدیع تلاوت مینمودند انقلابی در خود احساس نموده فائز بایمان شدند لیلی خانم آثار مبارکه را برای والده خود میخواندند وبعد از تصدیق برادر کهتر جناب میرزا علی اصغر خواهر هم دیده بود که سبب اطمینان ویقین ایشان در امرالله گردید وبعد برادر دیگر جناب میرزا محمد باقر ملقب به بصار تصدیق نموده وسپس والده ایشان که زنی متقیه بود فائز بایمان شد · پس از تصدیق امر مبارك در طبیعت لیلی خانم السنه جذبه وذوقی حاصل که بی اختیار بسرودن اشعار در مدح وثنای جمال قدم مشغول میگردند چنانچه حضرت عندلیب در یکی از اشعار خود میگوید دختری در رشت از راه صفا ساخت این ترجیع در مدح بهاء

واشعار ایشان تقدیم حضور اقدس ابهی میشود و لوح مبارک منیعی به لسان عربی که ضمیمه کتاب مستطاب اقدس چاپ شده بافتخار حضرت عندلیب نازل که در آن لوح مبارک ایشان مورد عنایت حق جل جلاله قرار میگیرند . الواح نازله در آن زمان معروف به توقیع شده بود در السن و افواه منتشر میشود که از عکا طوقی جواهرنشان از رئیس بهائیان بجهت صبیه بهشتی ارسال شده وقیمت آن بالغ بر ۴۰۰۰ تومان است این خبر بسمع والی گیلان عبدالله خان میرسد وبه طمع میافتد و این شایعه مصادف میشود با واقعه دستگیری وجوه احبا٫ رشت وگیلان سنه ۱۳۰۰ هجری قمری بامر ناصرالدین شاه قاجار که در این سنه حضرت ملاعلیخان ماهفروزکی مازندرانی در طهران کاس شهادت نوشیدند در این هنگام لیلی خانم والده ایشان ووالده میرزامهدی رشتی وبعضی دیگر از ورقات مؤمنات دستگیر میشوند ووالده میال آقامیرزامهدی نیز در یوم سوم نوروز که بساط نشاط گسترده شده بود بامر عبدالله خان والی بو[...]طه حاج نایب رضا و عده٫ از اشرار ظالم دستگیر وجمیع را به دارالحکومه میبرند عبدالله خان در خواب بود واسرا در اطاق فراشباشی مسجون میشوند فراشباشی به لیلی خانم میگوید دختر آیا تو بابی شده٫ باید تبری کنی ایشان جواب کافی وشافی میدهند ملاقات والی در آنوقت میسر نمیشود فراشباشی ایشانرا تسلیم کدخدای محل حاج میرزاعبدالباقی که شخص متدین ونیکی بود نمود شب را اسرا٫ در آن خانه بیتوته نموده واهل خانه کدخدا از آنان پذیرائی محبت آمیز مینمایند و روز دیگر بحضور والی احضار میشوند والی از قضیه طوق وقیمت آن و علت تصدیق خود شان ووالده ایشان را با مرمبارک سئوال مینماید وباستنطاق میپردازد آن ورقه ثابته درکمال شهامت درحضور والی مشغول باثبات امرالله میشوند شرح تصدیق خود

رؤیائی راکه خود ومادرشان دیده بودند بیان مینمایند در این موقع فراشباشی حضور والی ایستاده بود گفت زبان این دختر مانند برادرش محمد باقر دراز است مدت استنطاق ومذاکرات از یکساعت قبل از ظهر تا زوال آفتاب بطول میانجامد بالاخره والی آنانرا مرخص مینماید وشب با مأمورین بمنزل برمیگردند روز دیگر حاج آقا رضا مجتهد معروف رشت که با مادر لیلی خانم منسوب بود مادر ودختر را احضار مینماید مجتهد بمادر لیلی خانم میگوید پدر تو شیخ آقا جمال فومنی یکی از مشاهیر علمای رشت بود بدرجه٫که مردم او را زیارت مینمودند بچه جهت کافر شدی آن ورقه موقنه جواب کافی میدهد ومیگوید من حقیقت اسلام را شناختم ود ر عالم خواب خداوند مرا هدایت نمود تا اینکه برادران باجازه سلطان از محبس تاریک رشت خارج شدند وتوقف ایشان باعائله دررشت ممکن نگردید وبمعیت مادر مهربان وبرادران وجناب ملا یوسفعلی رشتی که از معاریف مبلغین دوره اولیه امر بودند وید روپرا درشان نیز محبوس شده بودند بمدینه عشق آباد حرکت نمودند ودر آنجا باجناب ملایوسفعلی ازدواج نمودند تا آنکه جناب ملا یوسفعلی درعشق آباد رحلت نمودند ولیلی خانم دارای یک اولاد ذکور مسمی به میرزا جلال گردیدند میرزا جلال جوانی بود صدیق ومتین مشتغل وامین درتجارتخانه هادی افنان شیرازی درخوقند متصدی امور تجارت بود تا آنکه در بلوای خوقند (انقلاب روسیه ) عده٫ از اشرار ومعاندین امر حضرت پروردگار بر این جوان نورانی هجوم آوردند و اورا درمقابل دیده مادر شهید نمودند وبا این حادثه مؤلمه لیلی خانم پسر یگانه خود راکه مایه امیدش بود از دست بداد وغریب وبیکس گردید ولی در این مصیبت صبر واستقامت عجیب بخرج داد وبعد بعشق آباد مراجعت نمود ویکی دو سنه در آنجا اقامت نمود سپس برحسب استدعای برادر

زادگان خود ببابل مازندران وارد و با حال ضعف و کسالت مزاج تا آخرین لحظات حیات بخدمات امریه و تشویق حضرات اماءالرحمن مشغول بودند و در دیماه سنه ۱۳۰۹ شمسی با تبسم و سروری سرشار عروج بملکوت اسرار نمودند و در حالت نزع روان چند دفعه جمله الحمدلله الحمدلله الحمدلله الحمدلله را ادا نمودند . این شاعره روحانیه اشعار بسیاری در محامد و نعوت اسم اعظم سروده اند که متاسفانه غالبا پراکنده است و از جمله این ترجیع بند است که اولین قصیده امریه ایشان میباشد :

| | |
|---|---|
| ساقیا جام پر ز صهبا کن | عاشقان را ز باده احیا کن |
| دل دیوانگان زغم بزدای | دوستان را ز مهر شیدا کن |
| حشر و نشری در این جهان انداز | عالمی پر ز شور و غوغا کن |
| ساز دیوانه جمله عاقل را | عاقلان را بعشق رسوا کن |
| | الی آخر |

این قطعه را در شکایت از روزگار و توجه بپروردگار سروده اند :

| | |
|---|---|
| دردم ز حد گذشته و درمانم آرزوست | جانم بلب رسیده و جانانم آرزوست |
| ای آفتاب عهد بجانم دمی بتاب | انوار آن جمال درخشانم آرزوست |
| هردم بگوش غیب ز تو صد بشارت است | بازم بشارتی بدل و جانم آرزوست |
| هر لحظه نغمه های خوشت روح بخشدم | یک نغمه باز زان لب خندانم آرزوست |
| از تو هزار مژده جانبخش میرسد | یک مژده باز ز عالم پنهانم آرزوست |
| لب تشنه ام چو ماهی غلطان بخاک و دشت | احسان تو چو قلزم عمانم آرزوست |
| این مرغ دل شکسته بود در قفس اسیر | بال و جناح مرغ سلیمانم آرزوست |
| تأیید و استقامت و توفیق بندگی | درخاک راه خدمت یارانم آرزوست |
| این قرن قرن اعظم و وقت خروش و جوش | چون رعد پرخروش بهر آنم آرزوست |
| جانم ملول گشت ز بیحاصلی عمر | عمر بقا ز حضرت سبحانم آرزوست |
| گرچه معطر است ز بویت مشام جان | یک نفحه باز زان گل و ریحانم آرزوست |
| عمرم گذشت بی سروسامان در این جهان | محشور در عوالم پنهانم آرزوست |
| از یک زبان و ده دله بیزار گشته ام | آن یک زبان و یک دل و جانم آرزوست |
| از رنج دیو و صحبت دد بس دلم گرفت | آن روح پاک و صحبت انسانم آرزوست |
| هرجا شدم نبود یکی گوش حق شنو | زان مردمان واعیه آذانم آرزوست |
| لیلی همی سراید این نکته با نیاز | قرب و رضای حضرت یزدانم آرزوست |

* *

این مقاله را بنا بر تقاضای لجنه ملی ترقی نسوان جناب دکتر فروغ بصاری از بابل ارسال داشته اند ایشان هیئت بینهایت از ایشان قدردانی نموده و از سایر خوانندگان عزیز هم تقاضا دارد این قبیل تاریخهائیکه راجع باماء مشهوره است برای کمیسیون ترانه امید ارسال دارند مزید تشکر و امتنان خواهد بود .

## با طفل منحصر بفرد خانواده چگونه باید رفتار نمود

در تربیت طفل منحصر بفرد خانواده باید دقت زیاد بکار برد زیرا بدلایلی که ذکر خواهد شد این طفل بیش از اطفال دیگری که دارای خواهران و یا برادران کوچک و بزرگتری هستند مستعد فاسد شدن و بد بار آمدن خواهد بود.

اول آنکه چون طفل تنها ست و کودک دیگری در خانواده نیست که با او مشغول بازی شود خواه ناخواه بیشتر اوقات او در میان افراد بزرگ خانواده صرف میشود طفل با دقت و توجهی که مخصوص کودکان است بحرکات و رفتار و گفتار آنها متوجه میشود و از آنجاکه حس تقلید در میان افراد بشر خصوصا کودکان زیاد است آنها را بدون کم و کاست تقلید نموده و تحویل والدین خود میدهد آنوقت است که پدر و مادر از رفتار عجیب و غریب او تعجب کرده و نمیدانند که طفل نازنین آنها این حرکات و گفتارهای احیانا زشت و ناپسند را از کجا یاد گرفته و او را به بداخلاقی و بی تربیتی متهم میکنند در صورتیکه طفلک گناهی جز تقلید حرکات بزرگتران خود نداشته است. برای کودک هیچ عاملی برای رشد و نمو و ترقی بهتر از تقلید کردن و پیروی نمودن از حرکات کودک بزرگتری نیست زیرا با فاصله کمی که بین ایند و موجود است طفل کوچکتر سعی و جدیت مینماید که هرچه زودتر خود را به پای آن دیگری رساند باینجهت در خانواده هائی که شماره اطفال آنها از دو متجاوز است طفل کوچکتر زودتر از کودکی که طفل منحصر بفرد خانواده است راه میافتد زبان باز میکند و رشد و نمو مینماید

مسئله دیگری که سوء تأثیر در رفتار کودک مینماید مراقبت زیاده از حد مادر از اوست چون مادر طفل دیگری ندارد که درباره او فکر کند تمام دقت و توجه و محبت خود را متوجه تنها کودک خویش مینماید و همیشه از ترس بروز حوادث ناگوار برای طفلش یک حالت نگرانی و اضطرابی در حرکات و رفتار او مشاهده میشود و چون نگرانی زود در دیگران تأثیر میکند این است که این طفل بیش از دیگر اطفال عصبانی و زودرنج شده و در بزرگی نسبت به عیوب و نواقص خود بیش از حد نگران خواهد بود. کودکی که خود را مرکز ذکر و فکر مادری بیند بزودی متوجه میشود که بمجرد آنکه اظهار ناراحتی نمود مادر او کار روزندگی خود را کنار گذاشته و او را در آغوش میکشد و از هیچگونه محبت و نوازش درباره او دریغ نمینماید وقتیکه طفل این موضوع جالب را کشف نمود بیش از حد لزوم احساس ناراحتی میکند و یا توسل بمحبتهای مادر میخواهد جبران تنهائی و خستگی خود را بنماید و یا چنان توجهی که توأم با اطاعت است از مادر می بیند کمتر میتواند با اطفال دیگر در بازیها و تفریحات آنها شرکت کند زیرا بچه هاکه دیگر مادر او نیستند که هر حرف او را اطاعت نموده و هر قهر او را با نوازش جواب دهند این طفل حتی وقتیکه پا بدبستان هم گذاشت ترجیح میدهد در گوشه‌ای بایستد و ناظر بازیهای اطفال شود ولی در بازیهای آنها شرکت ننماید زیرا با آنکه منتهای آرزوی او این است که او هم مانند دیگران بازی و تفریح کند ولی متأسفانه بواسطه جدا بودن از اجتماع نمیداند چگونه با دیگران آمیزش کند. اطفال در سنین دو و سه هرچه بدستشان برسد برمیدارند زیرا نمیدانند دلیل آنکه هرچیزی را نمیتوانند تصاحب کنند چیست در خانواده هائیکه اطفال آنها از دو نفر متجاوز است طفل کوچکتر زود متوجه میشود که فقط حق تصاحب چیزهائی را دارد که فقط متعلق بخود اوست ولی برای یک طفل منحصر بفرد خانواده که هرچه در دسترسش قرار گرفته متعلق باوست مدتها طول میکشد تا متوجه احساسات دیگران

نیز شود هرچیز را حتی در خارج از خانه میخواهد تصاحب کند وخیلی دیرتر از سایر اطفال حس همکاری ومساعدت در او بوجود بیاید ۰

کمک زیاده از حد مادر به طفل باعث میشود که حس اعتماد بنفس را در کودک از بین برده واورا همیشه متکی بدیگران بار آورد طفل با آنکه بینهایت آرزومند است که مستقل باشد وبدون کمک دیگران کارهائی انجام دهد ولی بواسطه سوء تربیت نمیداند از کجا وبچه وسیله شروع نماید باین طریق کودک افکار متضادی را سالها در مغز خود میپروراند ودر این قبیل مواقع است که سروصداها واختلافات در خانواده شروع میشود طفل که حالا بزرگتر شده برای آنکه بخود ودیگران ثابت کند که دارای شخصیتی است ومیتواند خود بتنهائی آنچه راکه میخواهد انجام دهد ودر حقیقت برای آنکه به پدر ومادر نشان دهد که دیگر آن کودک درمانده دیروز نیست بعضی کارها را از مادر وپدرش پنهان مینماید وسعی میکند کارهائی راکه میکند دوستانی راکه انتخاب مینماید افکاری راکه درمخیله خود میپروراند همه را از والدین خود پوشیده دارد ۰ در این وقت است که والدین خصوصا مادر از حرکات او مکدر شده ونمیدانند با آنهمه محبتی که بفرزند خود ابراز داشته چرا او کارهای خود را اگر زشت وناپسند نیست از آنان پنهان میدارد ۰ در صورتیکه طفل این کارها را فقط برای ابراز شخصیت خود مینماید کودک خصوصا وقتیکه تنهاست در عالم خیال برای خود دنیائی کوچکی درست میکند که بازیگر مهم وقهرمان معروف آن خود اوست در این دنیای کوچک همه کس سر تعظیم در مقابلش فرود میآورد وتنها با اشاره آنچه راکه میخواهد برایش حاضر وآماده مینماید این تخیلات شیرین با مراقبتها وتوجهات زیاده از حد روزانه مادر تقویت میشود هرچه طفل بزرگتر میگردد بیشتر میخواهد باین عالم رؤیای خود صورت عمل بپوشاند اگر در زندگی موفق شد از آن دسته کسانی خواهد بود که از همه کس انتظار همه گونه کمک وخدمت را دارد وباحساسات دیگران چندان اعتنائی ندارد اگر هم در زندگی موفق وکامیاب نبود از آنهاست که همیشه بدون چون وچرا سر تعظیم در مقابل اشخاص فرود میآورند ودل خود را باین خوش دارد که در اوقات بیکاری بنشیند وبه آسمان خیالات وآرزوهای خود پرواز کند ۰

### چه باید کرد ؟

کودک را باید با اطفال دیگر محشور نمود اگر ممکن است اورا بکودکستان برند وگرنه با کودکان دوستان وآشنایان که از اخلاق ورفتار آنها اطمینان دارند اورا آشنا سازند وقتی پدر ومادر میخواهند با طفل بازی کنند باید مواظب باشند که در بازی اورا مختار نمایند واگر بخواهند در بازی هم با او امر ونهی کنند از این کار نتیجه عاید طفلشان نخواهد شد در وقت بازی با طفل باید دنیا را از دریچه چشم کودک نگریست چونکه با کودک سروکار افتاده ـ پس زبان کودکان باید گشاد ۰ تا طفل باین ترتیب فاصله زیاد خود ووالدینش را فراموش کرده همان لذتی راکه در بازی با همسالان خود احساس میکند همان را با شرکت پدر ومادر نیز احساس نماید مراقبت وتوجه زیاده از حد وهمچنین ابراز محبت وعلاقه بیش از لزوم نتائج سوئی برای طفل خواهد داشت از اینها مهمتر وجود طفل دیگری در خانواده است که هم اورا از تنهائی نجات میدهد وهم وسیله برای تعدیل محبت ومراقبت مادر است ۰

* * *

خوانندگان عزیز آیا میدانید طفل شیرخواریکه جناب دکتر یونس خان افروخته درخاطرات نه ساله خود اشاره بآن فرموده چه وجود مقدسی بوده اند

## طفل شیرخوار

" چون برخود حتم نمودم که جمیع مشهودات و مشاهدات وشمهٔ ازاحساسات باطنی خود را از این سفر آنچه بخاطر دارم بنگارم لهذا از ذکر طفل شیرخوار صرفنظر نمیکنم وتفصیل آن از این قرار است :

پیرمردان آن ایام چه مسافرین وچه مجاورین که با ازمنه ماضیه امر آشنا بودند وازاول طلوع شمس حقیقت باخبر وحوادث ایام را مشاهده نموده بودند واعمال مرکز نقض را باکردار یحیی ازل مقایسه میکردند گاهگاهی گذشته را درنظر آورده ازبرای آینده صحبت میکردند انفصال قطعی آنان از سدره مبارکه مسلم بود پس تکلیف آینده چه خواهد شد . امامن این افکار را نمی پسندیدم و صحبت آینده را نمیخواستم بشنوم ودر این مذاکرات ابدا مداخله نمیکردم زیرا این بدبختی را نمیتوانستم درمخیله خود راه دهم که یک روزی به بینم که مرکزمیثاق ازدیده اهل بهاغائب گردد کم کم شنیدم که ازسلاله طاهره نفس مبارکی بوجود آمده نامش شوقی افندی است . هرچند ازاستماع این خبرشوق وذوقی دروجودم پیدا شد اما نخواستم طلوع این کوکب درخشان را باغروب نجم بازغ پیمان الهی مربوط سازم بادا خدای نکرده ازآیه مبارکه توجهوا الی من اراده الله بقدر سرسوزنی یا اقل از آنی منصرف ومنحرف گردم و باخود میگفتم دلسوزی برای آینده چه فایده دارد امروزتثبیت نفوس لازم وبرای فردا صاحب امر قادر ومختار ومهیمن است چندی بود اهالی مسافرخانه طالب دیدارحضرت شوقی افندی بودند وبخدمت حضرت افنان التماس میکردند یک روز اتفاقا این طفل چهارماهه را در بیرونی مبارک حاضرکردند احباب با شوق وشعف تمام استقبال نمودند بنده هم بزیارت ایشان شتافتم اما سعی میکردم جزبنظر یک طفل بهائی بانظر دیگر نگاه نکنم ولکن بی اختیار یک قوه درونی مرا برآن داشت که تعظیم وتکریم نمایم ویقه دقیقه مجذوب جمال این طفل شیرخوار گردیدم موهای نرم سرمبارکش را ببوسیدم وکیفیتی در این طفل احساس نمودم که بهیچ زبانی عنوان آن ممکن نیست مگرآنکه صورتا آن وجود عزیز را بطفل مریم که در تصاویر بغل مادر نشان میدهند تشبیه نمودم تا چند روز دیگر هیاکل نورانی این طفل درنظرم مجسم بود کم کم فراموش کردم این احساسات را دو دفعه دیگر در وجود خود مشاهده نمودم یکی وقتیکه ایشان نه ساله بودند دیگری هم یازده ساله چون با مرحوم حاجی میرزا حیدرعلی صحبتهای محرمانه میکردیم واسرار میگفتیم تفصیل را برای ایشان نقل کردم دیدم ایشان هم با من همدرد وهم خیال هستند با هم عهد کردیم مطلب را مستور ومکتوم داریم الحمدلله کتاب وصایا خوانده شد واین حرف درونی ازپرده بیرون آمد "

* * *

## چگونه میتوان ازفصل وافتراق جلوگیری کرد

" بین بهائیان مسئله ازدواج این است که مرد وزن باید جسما وروحا متحد باشند تا درجمیع عوالم الهی اتحادشان ابدی باشد وحیات روحانی یکدیگر را ترقی دهند این است اقتران بهائی "

حضرت عبدالبهاء ارواحنا فداه

یکی ازبزرگترین عللی که افق صاف زناشوئی را تیره وتار میسازد عدم همکاری زن وشوهر است و

براستی میتوان گفت اگر زن وشوهر از جنبه مادی ومعنوی بایکدیگر مساعدت وهمفکری نمایند هرگز اقتران بافتراق نخواهد انجامید بسا ممکن است که یك عدم همکاری مختصر بنیان سعادت عائله را ویران نماید از این رو زن وشوهر خصوصا زن بایستی کاملا مراقب باشد که خدای نکرده کدورتی پیش نیاید در این مسئله زنان وظیفه مهمتری برعهده دارند وباید بافداکاری وجدیت واز خودگذشتگی وهمت وظائف خویشرا بنحو احسن واتم انجام دهند تا سعادت حقیقی در عائله چهره بگشاید در برای همکاری مادی ومعنوی زنان با شوهران خویش شرائط ووظائفیست که با اجرای آن میتوان به نتیجه مطلوب رسید واهم آن از این قرار است :

۱ــ اولین صفتیکه برای اماءالرحمن بهائی لازم است وفاداری بدون قید وشرط است زیرا وفا سجیه یك زن واقعی است وبفرموده مبارك ــ " در عالم وجود صفتی بهتر وخوشتر وشیرینتر از وفا نیست این منقبت از اعظم اساس دین الهی است اگر انسان از جمیع صفات حمیده محروم باشد ولی باین صفت قدسیه موصوف عاقبت حائز کمالات میگردد واگر چنانچه حائز جمیع صفات کمالیه باشد واز صفات وفا بی بهره باشد آن کمال بنقص مبدل میگردد وآن خیر بشر وآن نورانیت بظلمت وآن عزت بذلت منتهی شود " اگر براستی بوفا قیام نمایند میتوانند آرامش فکری برای همسر خویش ایجاد کنند وهمین آرامش موجبات ترقی بیشتر او را در امور مادی ومعنوی فراهم خواهد ساخت .

۲ــ زن وشوهر باید فی الحقیقه رفیق ومحرم اسرار یکدیگر باشند نباید هیچ سری را از یکدیگر پنهان نمایند زیرا بسا ممکن شود که این رازپوشیها بعواقب خوشی نیانجامد باید شوهر حس کند که زن او در هر حال یار وهمدم وکار آزموده است ودر مواقع لازمه میتواند از رهنمائیهای دوستی مشفق ومهربان استفاده نماید .

۳ــ استقامت در شدائد حیات نیز از لوازم ووسائل آسایش در زندگی زناشوئی بشمار میرود زیرا در این دنیای گذران زندگی هرگز یکسان نمی ماند ودر معرض تغییرات گوناگون قرار میگیرد گهی فقر است وتنگدستی زمانی مرض است وناتوانی دمی خوشی است وشادمانی زمانی غم است وناکامی زن فهمیده وعاقل باید بردباری وتحمل در مقابل این بلیات استقامت پیشه سازد وچون کوه استوار در مقابل طوفان حوادث پایدار بماند مخصوصا از شماتت وسرزنش همسر وگله وشکایت از او جدا خودداری کند بلکه باید چون طبیبی مشفق ومهربان بر آلام جسمی وروحی وفکری شوهر مرهم نهد وقوه پایداری او را با تلقین وگشاده روئی در مقابل مشکلات وموانع زندگی تقویت نماید تا او با روئی باز با موانع حیات روبرو شود وبی خوف وبیم بر آنها فائق آید وبراستی این بزرگترین همکاریست که یك خانم فهمیده میتواند با شوهر خویش بنماید و اگر چنین کند همواره مورد کمال علاقه واحترام شوهر خواهد بود .

۴ــ رسیدگی بامور خانه ودقت در حسن انجام کارها وفراهم کردن آسایش همسر در منزل از مهمترین ومشکلترین ولازمترین وظائف یك خانم خانه دار میباشد شوهریکه ساعتها کار کرده وبا ناملایمات گوناگون روبرو شده واینك خسته و کوفته بمنزل میاید احتیاج بآرامش وآسایش دارد زن فهمیده سعی میکند با محبت خویش رفع ملال از او بنماید اندك ستیزه جوئی وتندخوئی در این مورد سبب بیزاری مرد از خانه خواهد شد و عواقب وخیم آن گریبان گیر خود او وزن وفرزندش میگردد

۵ــ رعایت صرفه جوئی وحفظ موازنه دخل وخرج نیز برعهده زنان است هرگز نباید رقابت پیشه کرد وباید شعر سعدی را بخاطر داشت که میگوید   چو دخلت نیست خرج آهسته ترکن

که میگویند ملاحان سرودی — اگر باران بکوهستان نبارد — بسالی دجله گردد خشک رودی . همین رقابتهای بیجا و باصطلاح چشم و همچشمی هاست که موجب وبال و خسران میشود زیرا وقتی مخارج برمداخل فزونی یافت کار بقرض می انجامد ومصداق این شعر میشود که :

براحوال آن مرد باید گریست
که دخلش بود نوزده خرج بیست

باید پس انداز را نیز از نظر دور نداشت و برای روز مبادا ذخیره نمود که بهنگام لزوم بکار آید یک خانم آراسته وفهمیده هرگز با توقعات بیجای خویش زندگی را برخود وشوهرش تنگ نمیکند زیرا بنتائج سوء آن مطلع است .

۶ — همفکری ومعاضدت با شوهر بخصوص درتربیت فرزندان ازوظائف اساسیه زن وشوهر میباشد بایستی زن وشوهر با مشورت یکدیگر روش واحد درتربیت فرزندان وترتیب اداره امورخانه انتخاب کنند واختلاف سلیقه هارا بامذاکرات دوستانه حل نمایند زیرا این اختلاف سلیقه ها بخصوص درتربیت فرزند عواقب وخیمه ببار خواهد آورد باید زنان درتربیت فرزندان دقت لازم مرعی دارند وسعی کنند که ازکودکی طفل را با اصول دیانت بهائی آشنا سازند وبرای انجام این امر باید خود بصفات حمیده متصف باشند اگر اطفال بنحوشایسته تربیت شوند موجبات راحتی شوهر نیز ازاین جهت فراهم خواهد شد .

۷ — حفظ احترام شوهر بخصوص درنزد فرزندان بینهایت لازم وضروری است مادر عاقل و فهمیده هیچگاه درنزد فرزندان خود لب بمذمت شوهر نمیگشاید زیرا اگر طفل پدر خود را احترام نکند تربیتش بس مشکل خواهد شد .

۸ — خانمی که درحضور دیگران رعایت احترام شوهر را نمی نماید قطعا خود را بی ارزش میکند و موجب دلسردی شوهر خویش میگردد چه بسا نفاقها وکدورتها که بواسطه عدم رعایت احترام طرفین درمقابل اشخاص ایجاد شده است .

۹ — بالاخره درموارد یکه حل اختلاف بین زن وشوهر با مذاکرات وتبادل نظر میسر نباشد وبه نتیجه مطلوب نرسد ناچار باید فداکاری کرد وبا اطاعت یکی ازدیگری باین اختلافات خاتمه داد اگر عیوبی در شوهر ویا طرزفکر او وجود دارد باید زن با توکل بخداوند وطلب تأیید ازاو در کمال لطف ومهربانی غیرمستقیم عیوب را بملایمت گوشزد او نموده وبا کمال استقامت این عمل رامداومت داده وتا حصول مقصود صبروبردباری را پیشه سازد وقطعیا باید ازذکر آن عیوب حتی بنزد یکترین افراد خودداری کند .

البته موارد بسیاری درهمکاری زن وشوهر وجود دارد واین چند مطلب که بعنوان نمونه ذکر شد بنظر این بنده اهم آن بود وامیدوارم که همه ما ها باجرای آن موفق گردیم سخن را بیکی ازالواح مبارکه حضرت عبدالبهاء ارواحنا لرمسه الاطهر فدا خاتمه میدهد لیکون ختامه مسک :

" در این امر حیات عائله باید مثل حیات ملائک سماء باشد وروحانیت وسرور باشد اتحاد واتفاق باشد موافقت جسمانی و عقلانی باشد افکارشان مانند اشعه های شمس حقیقت وستاره های روشن سماء باشد چون دو مرغ برشاخسارهای شجر وحدت ویگانگی بسرایند همیشه پرفرح و سرور باشند وسبب سرور قلب دیگران شوند برای دیگران سرمشق باشند برای یکدیگر محبت و صمیمیتی حقیقی داشته باشند " انتهی

* * *

## اعـــــلان

۱ـ ازمشترکین محترم چه درمرکزوچه درولایات تقاضامیشود تعداد نشریات مورد لزوم سال ۱۰۸ـ بدیع را با ارسال وجوه اشتراك آن هرچه زودتر باین لجنه مرقوم تا طبق درخواستشان مرتبا ترانه امیـــد ارسال گردد.

۲ـ نظر باینکه لجنه ملی ترقی نسوان درنظرد ارد بیلان سال گذشته را درنشریه درج نماید لـــذا مشترکینی که تا بحال وجوه آبونمان ۱۰۷ خود را نپرداخته اند لطفا هرچه زودتر ارسال داشته مزید امتنان این لجنه رافراهم سازند.

* * * *

### خلاصه جمع وخرج یکساله ۱۰۷ لجنه ملی ترقی نســـوان

#### ۱ـ عـــایـــدات

| | |
|---|---|
| بابت اعانات واصله ازقسمتهای امری | ۳۲۴۵۰ ریال |
| بابت وجه اشتراك ترانه امید | ۱۸۴۱۰ = |
| بابت اعانه اختصاصی وصولی ازاعضای لجنه ملی ترقی نسوان | ۱۹۶۰ = |
| بابت فروش کتاب | ۴۳۰ = |
| بابت عایدات متفرقه کنسرت و غیره | ۱۲۴۲۵ = |

#### ۲ـ مخـــارج

| | | |
|---|---|---|
| بابت کمك خرج معلمین ومعلمات | | ۸۳۰۰ |
| بابت مخارج تکثیرترانه امید درسال ۱۰۷ وخرید کاغذ ولوازم تکثیربرای سال ۱۰۸ | | ۳۷۰۰۶ |
| بابت هدیه کتاب وغیره | | ۷۶۸ |
| بابت خرید قفسه وطبقه بندی قفسه ومخارج پست وغیره | | ۹۹۹/۵۰ |
| پرداختی برای مخارج تاسیس مجمع ترقی نسوان بهیئت مدیره مجمع | | ۳۰۰۰ |
| برگشت وجه ارسالی ازنجریش | | ۴۵۰ |
| | | ۵۰۵۲۳/۵۰ |
| موجودی دراول خرداد ۱۳۳۰ | | ۱۵۱۵۱/۵۰ |
| | ۶۵۶۷۵ | ۶۵۶۷۵/ــ |

لجنه ملی ترقی نسوان